تجلیل از کتاب الدره النجفیه، عروة الوثقی و مجد البیان و پیشنهاد اتمام آن ها

اوال ً یکی از کتابهای خیلی خوب مرحوم علامه حلی منتهی المطلب فی تحقیق المذهب است. کتاب خیلی معروف علامه است. ماشالله مفصل است. اتفاقا یکی از آفات کتابهای مفصل این است که تمام نمیشود و نیمه کاره میمانند. حاج آقا مکرر از کتاب الدرة النجفیه سید بحر العلوم تجلیل میکردند. منظومه خیلی عالیای است. بعد میفرمودند ای کاش به جای اینکه سید وارد این فروعات کثیره شوند، به صورت مختصر کل فقه را به صورت نظم در میآوردند. مرحوم سید در دره وارد فروعات کثیره میشوند که به نظرم کتاب الصلات ایشان تمام نشده است. لذا علماء میگفتند نوشته شدن جواهر از معجزات تاریخ است.

میگویند نوشته شدن جواهر از معجزات تاریخ است. یعنی جواهر بین دو چیز جمع کرده که در کتابهای دیگر نمیبینید. بین تفصیل و دوره. کل فقه را با تفصیل آورده است. علماء میگفتند از معجزات تاریخ است.

شاگرد: این آفت برای قدیم بوده، الآن به این صورت است که اگر کتاب مفصل باشد دیگر طلبهها نمی خوانند!

استاد: خب حالا نخواندن یک حرفی است! اما اصل فرض تکمیل کردن خیلی خوب است. من جلوترها در مباحثه میگفتم که از پیشنهادهای خیلی خوب این است که چند کتاب به همان نحوی که هست تمام شود. در فضای حوزی و محققین. یکی کتاب عروه است. چرا عروه تمام نشد؟ به همین خاطر؛ تفصیلات متعدد و... . خب نشد که تمام شود. عدهای که در فقه کار کرده هستند عروه را دوره کنند. طرح آن در ذهنم بود، جلوتر هم عرض کرده بودم. مثال ً محور را جواهر قرار بدهند، با شمارههای ده فاصله. یک وقتی هم گفتم. آقا هم زحمت کشیدند جزوه آن هست. این برای کتاب مفصلی مثل عروه است.

مقام علمی و عملی شیخ محمد حسین اصفهانی مسجدشاهی

یکی هم تفسیر است. کتابی مثل تفسیر آشیخ محمد حسین اصفهانی مسجد شاهی. غیر مرحوم کمپانی است. ایشان تفسیر مجد البیان دارند که خیلی تفسیر مبسوط خوبی است. تنها بیست آیه را تفسیر کردهاند. عدهای جمع شوند و تفسیر ایشان را دوره کنند. ایشان هنوز پنجاه ندا شتند که وفات کردند. ایشان در ۴۰۸ وفات کرده بودند. میرزای شیرازی بزرگ ۴۱۲ وفات کردند.

چهار سال قبل از ایشان وفات کردند. حاجآقا میفرمودند اگر آشیخ محمد حسین حیات داشتند و ماندہ بودند اعلم مطلق شیعہ میشدند. یعنی هم از بیت علم بود؛ ونه آشیخ محمد تقی صاحب هدایة المسترشدین بود. از بیت علم بود. در علمیت هم ماشاءالله! در کرامات اسم بردنی نیست که در کرامات و معنویات چه خبر بوده! حاج آقا چندبار فرمودند که بنده از آشیخ محمد حسین کرامتی شنیدهام که در عمرم برای احدی نقل نکردهام. حالا چرا؟ باز هم نگفتند. ولی مکرر میفرمودند من در عمرم این کرامت آشیخ محمد حسین را برای احدی نقل نکردهام. علی ای حال تفسیری است. مجد البیان، در نرمافزارها هم هست.

شاگرد: نقل این جملات از چه بابی است؟

استاد: «لا عَیْنٌ رأتْ، و لا اُذُنٌ سَمِعتْ، و لا خَطَرَ علی قَلبِ بَشَر[1]» را چه میگویید؟!

شاگرد: تعظیم بیشتر است، شاید آن کرامت را نقل میکردند تعظیم نمیشد.

استاد:«وَ کُلُّ شَیْءٍ مِنَ الدُّنْیا سَماعُهُ أعْظَمُ مِنْ عیانِهِ وَ کُلُّ شَیْءٍ مِنَ الْآخِرَةِ عیانُهُ أعْظَمُ مِنْ سَماعِهِ[2]»؛ وقتی میروید میبینید، میگویید چیزی که شنیده بودیم نزدیک معنایش هم نبود.

خب ببینید این منتهی المطلب کتاب مفصلی است. علامه ماشاءالله!

شاگرد: دو کتاب را میگفتید. یکی عروه و دیگری مجد البیان بود.

استاد: گفتم آن برای تفسیر تمام شود، چون سبک ایشان مبسوط است.

شاگرد: کتابهای دیگری هم مد نظرتان بوده؟

استاد: الآن چیزی در ذهنم نیست.

---

[1]التفسير المنسوب إلى الإمام الحسن العسكري عليه السلام، ص: ۱۲۹

[2] نهج البلاغة (للصبحي صالح)، ص: ۱۷۰

بازبینی #2
ایجاد شده 23 آوریل 2024 15:17:05 توسط ... .
به روزرسانی شده 30 مه 2024 11:42:09 توسط ... .